



سه‌م ۱۲ درصدی سالمندان
از جمعیت

مزرگان رضازاده، رئیس دبیرخانه شورای سالمندان کشور درباره روند سالمندی جمعیت ایران گفت: «برآوردهای رسمی و گزارش‌های پژوهشی نشان می‌دهد که سهم افراد مسن ۶۵ سال به‌بالا از جمعیت، از حدود ۱۲ درصد رقیمی در دهه‌های قبل به چیزی حدود ۱۲ درصد رسیده و پیش‌بینی‌ها حاکی از ادامه رشد قابل‌توجه این سهم در دهه‌های آتی است.» به گزارش ایسنا، او درباره سالمندی جمعیت در برخی استان‌های کشور گفت: «الگوی توزیع سنی نشان می‌دهد استان‌های شمالی و برخی استان‌های مرکزی مسن‌ترین، گیلان و مازندران، از بالاترین سهم جمعیت، سالمند گزارش شده‌اند و آذربایجان شرقی، اصفهان و تهران روند پیری روشن‌تری دارند. در مقابل، استان‌هایی مانند سیستان و بلوچستان و هرمزگان نسبتاً جوان‌ترند.»

به گفته او، بحران منطقه‌ای بیشتر در مناطقی است که هم سهم سالمند بالاست، هم زیرساخت‌های اقتصادی پزشکی برای مراقبت از آن‌ها ضعیف شود مثلاً گیلان، مازندران و برخی استان‌های مرکزی. رضازاده درباره زنانه‌شدن سالمندی در ایران گفت: «ایران مانند بسیاری از کشورهای، با پدیده «فمینیزه‌شدن سالمندی» مواجه است. نسبت زنان در گروه‌های سنی بالا از مردان بیشتر است یعنی سالمندان زن سهمی بیش از نیمی از جمعیت سالمند دارند.» به گفته او، این موضوع به مواردی همچون افزایش نیاز به سیاست‌های حمایتی ویژه زنان سالمند شامل بازنشستگی و درآمد پایدار، دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی ویژه زنان، مقابله با فقر در میان زنان تنها، نیاز به خدمات تعیین‌شده برای زنان شامل مراکز روزانه، مراقبت‌های خانگی حساس به جنسیت و توجه به اشکال خاص آسیب‌پذیری شامل سکونت در مورد خستون فقر بازنشستگی و سطوح پایین‌تر مشارکت اقتصادی نیاز دارد.

روستای رمین ۵۰ دختر و پسر موج سوار دارد. «اینجا موج سواری برای دختران سخت است. خیلی از دخترها بودند که وقتی کوچکتر بودند، آمدند و موج سواری یاد گرفتند؛ اما وقتی بزرگتر شدند، خانواده‌هایشان اجازه ندادند که ادامه دهند.»

تیم رسمی روستای رمین حالا زیر نظر انجمن موج سواری و فدراسیون انجمن‌های ورزشی ایران است؛ با دو رشته لانگ‌بورد و شورت‌بورد. «من با پول یارانه خودم بچه‌ها را به اینجا رساندم، دفتر زدم و دادم به بچه‌ها که باشگاه رمین بشود و بچه‌ها یاد بگیرند. همه هزینه‌ها از جیب خودمان بوده و هیچ ارگانی به ما کمک نکرده.»

عابد و بچه‌های باشگاه‌اش از سال ۹۷ برای مسابقات انتخابی تیم ملی بزرگسالان تلاش کردند، اما رئیس انجمن قبلی، آنها را حمایت نمی‌کرد. عابد فولادی می‌گوید، حتی اگر بچه‌های بلوچ مقام می‌آوردند، برای تیم ملی انتخاب نمی‌شدند. هرکس پولدار بود و می‌توانست پولی پرداخت کند، برای تیم ملی انتخاب می‌شد اما بچه‌های رمین را برای مسابقات آسیایی و بین‌المللی نمی‌بردند چون اسپانسر نداشتند. در سال ۲۰۱۸ یکی از بچه‌های باشگاه برای اولین بار رفت مسابقات جهانی ژاپن اما بعد از آن دیگر بچه‌های رمین را به مسابقات نبردند تا دو سال پیش که عابد به‌عنوان عضو تیم ملی موج‌سواری، برای کاپ آزاد مسابقات به ترکیه رفت و بین ۱۲۰ نفر، نفر سوم شد. پارسال هم بچه‌هایی را که اسپانسر داشتند به مسابقات جهانی بردند؛ از تهران.

عابد می گوید این بچه‌ها از همه‌نظر نیاز به حمایت دارند. تخته‌در ایران تولید نمی‌شود و باید خارجی بخرد که قیمت‌اش بالاست و بچه‌ها توانایی خرید آن را ندارند. از باشگاه همین ۱۰ نفر بورسیه بین المللی شده‌اند و این به امکانات کمی کمک کرده؛ از طرف فدراسیون جهانی، هرسال چند نفر را بورسیه می‌کنند و سالی ۵۰۰ تا ۸۰۰ دلار به آنها می‌دهند، البته بیشتر به پسرها و فقط دو دو دختر تا به حال بورسیه شده‌اند. تخته‌ها از این طریق است که تا مین می‌شود. عابد می‌گوید ما از لحاظ کیفیت موج، بهترین موج‌های خاورمیانه را داریم و چهاره و روستای رمین، قطب موج‌سواری خاورمیانه است. بچه‌های بلوچ استعداد خدادادی دارند و می‌توانند بهترین موج‌سوار باشند، برای همین هم است که او هر چه در توان دارد برای آنها گذاشته؛ مثل تعمیر تخته‌های موج‌سواری. عابد چند وقتی است که در باشگاه‌اش، تعمیر تخته هم می‌کند تا بچه‌ها بیشتر بتوانند از آنها استفاده کنند و پای‌شان به دلیل استفاده‌های زیاد، سُر نخورد. او برای اولین بار مومی صدرصد ارگانیک در ایران ساخته؛ مومی که قبلاً از چین وارد می‌شد اما آنها چون پول‌اش را نداشتند، نمی‌توانستند آن را بخردند؛ حالا عابد فولادی آن را از موم عسل، شیر نارگیل و سقر ساخته و می‌زند روی تخته‌ها تا بشود بیشتر از همین تعداد محدودشان استفاده کرد. تا بچه‌های بلوچ برای رسیدن به آرزوهای‌شان، زیر پای‌شان محکم باشد و سُر نخورند، تا همه دختران بلوچ به آرزوهای‌شان برسند.

ما اما قصد داریم تا کلاس دوازدهم بخوانیم، شغل خوبی داشته باشیم و بعد ازدواج کنیم. می‌خواهم ۲۰ تا ۲۲ سالگی ازدواج کنم. خیلی از همکلاسی‌هایم علاقه دارند به دریا، اما خانواده‌هایشان مخالفاند. حالا ما روزهای زوج وقتی مدارس باز باشند، از مدیران اجازه می‌گیریم و می‌رویم تمرین آب‌بازی. مدرسه می‌رویم. وسایل ما اما خیلی کم است، چون باید بین ما و پسرها تقسیم شود. تخته‌های ما ۱۵ تا است، ولی تعدادمان زیاد است. تخته، لیش، فین، کفش و لباس مخصوص نیاز داریم. من دوست داشتم همیشه مثل دلفین‌ها روی موج‌ها باشم و وقتی با موج‌سواری آشنا شدم، به آرزویم رسیدم. ما هنوز هم با لباس بلوچی اسکیت‌سواری می‌کنیم و خیلی سخت است؛ چون لباس‌های ما سنگین است. برای موج‌سواری هم لباس آستین‌دار بلند می‌پوشیم و روی آن یک کاور، کاور هم پسرها را حاد انداخته و لباس مخصوص موج‌سواری که تنگ و چسبان است، می‌پوشند. من هشت میلیون جایزه بردم اما هنوز هشت میلیون جایزه‌ام را نداشته‌ام. می‌خواهم پس‌اندازش کنم. پدرم فرهنگی‌ها بازنشسته است و مادرم خیاطی می‌کند. می‌خواهم تا جایی ورزش‌ها را ادامه دهم که باعث افتخار ایران شوم.»

▼ حکایت مریم و عابد؛ قهرمان‌های دختران بلوچ

مریم قدمی، مربی موج‌سواری دختر بچه‌ها، قهرمان سال‌های دور تا الان آنهاست. مریم سال ۹۷ بود که برای موج‌سواری از تهران به روستای رمین رفت و آنجا ماندگار شد. عشق بچه‌ها او را در زمین‌های گرم و بی آب روستا نگه داشت. مریم سال‌ها مربی ورزش‌های آبی بود. بعد از مدتی وارد ورزش‌های بوردی مثل اسکی و پدل بورد شد و بعد موج‌سواری او را به بلوچستان کشاند؛ چون هیچ جای ایران موج‌های بلوچستان را ندارد. استعداد و علاقه دختر بچه‌ها به موج‌سواری، او را به فکر راه‌انداختن مجموعه‌ای برای یاد دادن به آنها انداخت. آن زمان معلمان داوطلبی هم بودند که در این مجموعه کار می‌کردند و با اهالی روستا فیلم می‌دیدند، کتاب می‌خواندند و بازی‌های اخلاقی می‌کردند. اسمال آن همه تلاش ثمر داد؛ ناشی هفت‌ساله که از کشف استعداد بین دختر بچه‌ها شروع شد، به بازی روی پدل بورد رسید و بعد رشته موج‌سواری و نتیجه‌اش مدال آوری بچه‌ها.

مریم از همان روزهای اول محدودیت‌های زنان بلوچ را از نزدیک دید و فهمید. برای همین هم بود که برای اعتماد بیشتر خانواده‌ها، چادر به‌سر کرد و نقاب به صورت زد؛ بین زنان و مردانی که حضور در خیابان‌ها و ورزش کردن زنان برایشان موضوعی عادی نبود. مثال معروفی بین بعضی بلوچ‌ها هست که می‌گوید زن‌های بلوچ در زندگی‌شان فقط دیوار از خانه بیرون می‌آیند، روز ادواج که از خانه پدر به خانه شوهر می‌روند و روزی که می‌میرند و آنها را از خانه به قبرستان می‌برند. آنچه مریم از نزدیک دید، چندان از این مثال دور نبود. برای همین هم با همان امکانات محدود، با لباس‌هایی که شبیه پسرهای موج‌سوار نبود، به دخترپچه‌ها سوارشدن بر موج را یاد داد؛ با یک لباس گشاد بلند که رویش یک کارو می‌آید. مریم حالا لایل ماندگاری‌اش را در چاهپار را استعداد دخترت می‌داند. «وقتی استعدادشان را می‌دیدم، به خودم می‌گفتم تو جای درستی آمده‌ای و کار درستی می‌کنی. این پچه‌ها از نظر بدنی و جسارت، وضعیت خوبی دارند؛ فرزند طبیعت‌اند و جسورند.»

حالا باشگاهه آنها دو کاکس است که یکسری تخته دارد؛ تعدادی از این تختهها اهدایی مریبان خارجی بوده و تعدادی دیگر تختههایی است که خود پچهها به‌مور زمان خریده‌اند. امکانات خیلی کم است؛ مثلاً آسفال آنها «لش» نداشتند. لیش، بندی است که تخته موج‌سواری را به پا وصل می‌کند. باشگاهه آنها دوش، کمد، رختکن و محوطه ویژه ندارد؛ امکاناتی زیر صفر.

پسرها تیم حالانفری یک‌تخته‌دارند، اما دختره‌ها نه. قیمت هر یک‌تخته موج‌سواری از ۲۰ میلیون تومان شروع می‌شود و تا ۷۰ میلیون تومان هم می‌رسد. لیش از دو میلیون تومان شروع می‌شود و (افین) هم که زیر تخته‌های موج‌سواری وصل می‌شود تا تخته سرعت بگیرد هم، موجود نیست و همه این‌ها باید از خارج خریداری شود. حکایت لباس مخصوص موج‌سواری هم که جداس: با قیمتی از ۱۰ تا ۲۵ میلیون تومان. حالا عابد، نوشین، ونوس و ستیا با مدال‌هایی که آورده‌اند اعزامی تیم ملی موج‌سواری زنان ایران هستند اما هنوز مشخص نیست، بتوانند برای بازی‌های بزرگ‌تری‌شان را بیرون ایران بگذرانند. بازی‌های آسیایی در پیش است ولی مشخص نیست به زنان هم سهمیه داده می‌شود یا خیر، اما مریم شنیده که سپران حتماً اعزام می‌شوند؛ چون موج‌سواری در ایران جدید است و ورزش المپیکی است، به افراد سهمیه داده می‌شود.

عابد فولادی، اهل روستای رمین، از بزجگی موج‌سواری را از همین‌جا، در سواحل کنارک، بریس و رمین یاد گرفت. حالا ۱۴ سال است که موج‌سواری می‌کند و اولین باشگاه موج‌سواری ایران را در روستای رمین راه‌اندازی کرده. او می‌گوید از دو سال پیش دختران رمین و کنارک شروع به موج‌سواری کردند و پارسل از باشگاه کنارک، ونوس قهرمان ایران شد؛ ونوس اولین موج‌سوار زن ایران بود که مقام قهرمانی آورد و امسال هم در رشته لانگ‌بورد، روی سکوی اول ایستاد. آن‌هم بین همه دخترانی که از شهرهای بزرگ‌تر مثل تهران، بندرعباس و بوشهر آمده بودند. عابد می‌گوید که عابده جدگال، نوشین جهان‌نیده و خدیجه خدیر از دوسال پیش از روستای رمین شروع به موج‌سواری کردند. آنها اسکیت‌بورد را از اول شروع کردند و بعد که دیدن تعامل و کارشان خوب است، با پول باراناش برایشان فضایی را برای تمرین درست کرد. بچه‌های باشگاه از ۱۲ تا ۱۵ ساله‌اند و حالا

عموم به چه‌هایشان را با من فرستاد اما خیلی به من گیر می‌دادند و دیگر اجازه ندادند بچه‌های شان با من بیایند، به من هم خیلی ایراد می‌گرفتند که نروم، اما پدر و مادرم حمایت کردند و به حرف آنها گوش ندادند. الان هم دو سال است که موج‌سواری می‌کنم، در حالی که عموها، عمه‌هایم و خاله‌هایم به پدرم می‌گفتند اجازه نده موج‌سواری کنی، عابده دختر بلوچ است، عیب است ولی پدرم مقاومت کرد و به حرف‌شان گوش نکرد. همه مخالفت کردند غیر از پدر و مادرم. دختران هم روستایی ما از وقتی من موفق شده‌ام، علاقه‌مند شده‌اند که موج‌سواری کنند. دختری بود که دوست داشت موج‌سواری کند، اما پدر و مادرش اجازه نمی‌دادند، اما حالا اجازه داده‌اند. من امیدوارم کم‌کم هم دختران بلوچ به هر آرزویی که دارند برسند. ونوس باعث شد دختران بلوچ دیگر بی‌آس و استیث و موج‌سواری نکنند. امیدوارم بقیه دختران بلوچ هم وارد این ورزش شده و موفق شوند. امیدوارم در کل ایران بتوانیم زمین را سر بلند کنیم. هر چند امکانات مان خیلی کم است. وقتی می‌رویم دریا موج می‌گیریم و برمی‌گردیم، حتی جایی را نداریم که دوش داشته باشد و بتوانیم خودمان را بشوییم. حتی ماشینی نیست که با آن به ساحل برویم اما من با همه سختی‌ها ادامه دادم؛ چون باور داشتم که روزی می‌رسم به جایی که می‌خواهم. حالا نیازهای زیادی دارم. وسایل مان خیلی گران است. من با لباس‌های عادی می‌رفتم موج‌سواری اما حالا یک لباس معمولی که بشود بهتر تمرین کرد، دارم؛ ولی تخته ندارم. با تخته باشگاه تمرین می‌کنم. لباس مخصوص موج‌سواری هم ندارم. لباس استاندارد نیست، یک روپوش روی لباس می‌پوشم و می‌روم. تخته خیلی گران است. حدود ۴ تا ۵ میلیون تومان. می‌خواهم تخته‌ام شوت‌بورد باشد. قرار شده به من ۱۰ میلیون تومان جایزه بدهند اما هنوز نداده‌اند. می‌خواهم آن را خرج درمان خواهرم کنم که تالاسمی دارد؛ سمانه، او هم دوست دارد موج‌سواری کند و امروز آمد دشنا در دریا و دارم. پادشاه منم. من می‌خواهم هر دو خواهرم ورزش کنند؛ سمانه و بی‌س.

سلیمه، مادر عابدۀ جدگال، حالا قهرمان اوست. مادری ۲۰ ساله، با سه دختر که یک نفرشان تالاسمی دارد و دو کترها گفته‌اند باید او را برای درمان به بیمارستان کودکان تهران ببرند اما سلیمه نتوانش می‌دهد. پول‌شان به تهران رفتن و ماندن نمی‌رسد. همین‌ها هم عابدۀ را به این فکر انداخته که پول جایزه‌اش را خرج خواهر کوچک‌اش کند. سلیمه می‌گوید آرزوی خودش بوده که مادر سوار باشد، روی تخته‌های مخصوص و حالا دختر به آرزوی مادر رسیده. مادرش را از روزی که دختر به دنیا می‌آورد، خوششان را در آیینۀ چشم‌های آنها جست‌وجو می‌کنند؛ بهیژه مادران، بلوچ. سلیمه هم وقتی در ۱۸ سالگی، عابدۀ را به دنیا آورد، توی دل‌اش آرزو می‌کرد او به همه آنچه خودش ندارد، برسد؛ سواد، ورزش و پول. برای همین هم بود که سلیمه از عابدۀ حمایت کرد تا ورزش کند اما از خانواده، هیچ‌کس به آن راضی نبود. بلوچ‌ها اجازه نمی‌دهند دختران آزاد باشند. پدر عابدۀ اما موافق بود که او برود ساحل و موج‌سواری کند؛ کارگری ساده که دنیایش در ساختمان‌هایی که با کمک او ستا بنا می‌سازد، خلاصه می‌شود و دخترهایش. سلیمه مخالفت‌های عمومی دخترها و بقیه اعضای خانواده را اما هنوز خوب بیاد دارد. آنها می‌گفتند، دختر بلوچ درست نیست برود ساحل، اما اما حمایت‌اش کردیم، اما بچه‌ها ماست، خودمان سرپرست او هستیم.»

سلیمه بی سواد است و نمی‌تواند فارسی را روان حرف بزند اما از پشت خط تلفن، در مسافتی دور، بین تهران و بلوچستان، صدای پر از شادی‌اش موج می‌زند و روانه می‌شود این طرف خط؛ با یخچندی مخصوص، او می‌گوید وقتی عابدیه نفر اول مسابقات شد، خیلی خوشحال شد؛ به‌ویژه وقتی خیلی از اهالی روستا آمدند و به آن‌ها تبریک گفتند. آن‌ها که مخالف ورزش کردن عابدیه بودند اما نماندند. عموها، خاله‌ها و عمه‌ها اما هنوز عابدیه را اینطور نمی‌پسندند. آن‌ها دختر بلوچ قهرمان نمی‌خواهند. درست بر خلاف مادرش که به او افتخار می‌کند. خیلی زیاد و دوست دارد او انقدر ورزش‌اش را ادامه دهد تا دیگر کسی با او مخالفت نکند.

سلیمه روز مسابقه توانست برود ساحل. آن روز نوبت تریق خون دخترش، سمانه بود که مبتلا به تالاسمی است و در خانواده‌ای زندگی می‌کند که وضعیت مالی خوبی ندارد. آنها از خوششان خانه ندارند، خانه خواهر سلیمه زندگی می‌کنند و هر چه درمی‌آورند، خرج خورد و خوراک و تحصیل و درمان بچه‌ها می‌شود. این حکایت مشترک دختران روستای رمین است. مثل نوشین جهانپنده که توی عکس‌های روز توزیع مدال‌ها، روی سکوی دوم ایستاده. با همان لیخند آشنا که دختران موفق می‌زنند. چشم‌ها و ابروهای نوشین، به سیاهی موهای مادرش است و میل به قهرمان شدن، توی صورت‌اش پیداست. اوو عابده و ستیا که اسمال نفر سوم شده، در رشته شورت‌بورد، موج‌سواری می‌کنند و داستان‌شان حالا روی زبان‌ها افتاده.

این قصه نوشین است:

«من مقام دوم شورت‌بورد شدم. دوسال است که موج‌سواری را شروع کرده‌ام. کلاس هفتم هستم، ۱۳ ساله. خانواده‌ام اول مخالف بودند، خودم هم به‌همین دلیل دنبال موج‌سواری نبودم اما دریا را دوست داشتم. بعد که پیش خانم قدمی رفتم کلاس زبان، دیدم دخترها می‌روند موج‌سواری، دریا، به ما مانع نگفتم، اما اجازه نداد بروم. گفت، ایشان را نمی‌شناسم. بعد، یکی از بچه‌ها با مادرم حرف زد و اجازه داد و اولین مسابقه‌ام را دادم و نفر دوم شدم. همان اول عموها و خاله‌هایم مخالف بودند و می‌گفتند که دین ما اسلام است و نمی‌شود دخترها با پسرها بروند ساحل. اینجا دخترها را در سن پایین شوهر می‌دهند.

م الف ١٥٤٢

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران - اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک شهرری
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آههی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

[illegible]

شناسه آگهی: ۲۰۰۷۹۷۹

نوبت دوم

هی فراخوان تجدید مناقصه عمومی همراه با ارزیابی کیفی
(تجدید مناقصه عمومی و دو مرحله‌ای شماره ۵۳۱۹۷۳۵۶)



شرکت ملی گاز ایران
شرکت گاز استان خراسان جنوبی (سهامی خاص)

خراسان جنوبی در نظر دار شرکت مورد نیاز خود جهت اجرای پروژه‌های گازرسانی استان خراسان جنوبی را به شرح ذیل و با مشخصات و شرایط کلی مندرج بر اسناد مناقصه و مطابق با استانداردهای شرکت ملی پخش گازی ایران پیگیری نماید. شرکت گاز استان خراسان جنوبی از این سازندگان و تأمین کنندگان با مصالح خریداری می‌نماید بدین منظور از کلیه شرکتهای سازنده و تأمین کننده دو توانایی آیین نامه مذکور تهیه تضمین شرکت سازندگان را در اردیبهشت ماه سال جاری ۱۳۹۴ (۲۰۱۵) و همچنین مدارک فنی و مالی آنها را در تاریخ ۱۳۹۴/۰۶/۰۷ (۲۰۱۵) مراجعه و اسناد مناقصه را دریافت نمایند.

۹۷۱۹۶۶۱ - تلفن: ۵۶۶۰۳۳۳۹۰۰۰، نمابر امور بیمه‌ها: ۵۶۶۰۳۳۳۹۰۰۰۰
 راه‌ماهی‌نقصره، شرکت گاز استان خراسان جنوبی (سهامی خاص) - بیرجند، سایت اداری - بلوار پیامبر اعظم (ص) - ابتدای خیابان شهدای نیروی انتظامی - شرکت گاز استان خراسان جنوبی - طبقه اول - امور بیمه‌ها

مناقشه: خرید انواع شیر آلات در سایه های مختلف

موضوع تجدید مناصب: **خبریه ۶۸** قلم شیرمنسختی اعم از **تویی جوشی، تویی فلنجی و پالا** ولو فلنجی در سایزهای مختلف از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) **آدرس** www.setadiran.ir

مبین شرکت در فرآیند ارجاع کار: تضمین های اعلام شده در آیین نامه تضمین برای معاملات دولتی به شماره **۱۳۳۴۵/۱۳۳۴۵۹۶-ه** مورخ **۱۳۹۴/۰۹/۲۳** مبلغ تضمین **۰۰۰ ۰۰۰ ۰۰۰ ۰۰۰** ریال و شصده میلیون ریال)

کران:

یت حقوقی و مجوز تولید، تهیه و یا فروش از مراجع ذیصلاح
 ➡ توانایی ارائه انواع ضمانت نامه بانکی طبق ضوابط کارفرما
 ➡ توانایی رعایت استانداردهای شرکت ملی گاز ایران
 ➡ ارائه ابران که کارالایال است.

حسن سابقه و توان مالی مناسب با قرارداد
 ➡ خدماتی کشور و حمایت از کالای ایرانی، ارجاج کار صرفیای موسسات و شرکت های ایرانی ثبت شده در فهرست توانمندیهای مندرج در سامانه توانیران مجاز است.

ماده ۵۱ ماده ۵۱ قانون حمایت از دانش بنیان شرکت های مستقر در پارک های علم و فناوری، هر یک از نمایندگان و واجد شرایط با پاسی مدارک و اسناد مثبتیه مبتنی بر دانش بنیان بودن و یا عضویت فناوری ارائه نمایند.

قصه:

اسناد ارزیابی کیفی: از تاریخ ۱۴۰۴/۰۷/۰۷ لغایت ساعت ۰۹:۰۰ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۱۴

بارگذاری اسناد ارزیابی کیفی بر روی سامانه ستاد: ساعت ۰۹:۰۰ روز دوشنبه ۱۴۰۴/۰۷/۲۸

کیفیتی: ۱۴۰۴/۰۷/۳۰

اسناد مناقصه: از تاریخ ۱۴۰۴/۰۷/۳۰ لغایت ساعت ۰۹:۳۰ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۰۴

بارگذاری اسناد مناقصه بر روی سامانه ستاد: ساعت ۰۹:۳۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۴

ساعت ۰۵:۰۰ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۴ - سالن جلسات شرکت گاز استان خراسان جنوبی

از کمیته برگزاری پاکات الف و ب: ساعت ۰۵:۰۰ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۴ در محل سالن جلسات شرکت گاز استان خراسان جنوبی گشایش یافت. لازم به ذکر است که جهت گشایش پاکات مالی قطعی نبوده و بنا توجه به روند ارزیابی فن بازگانی پیشنهادها امکان تغییر وجود خواهد داشت، بااین وجود این شرکت نسبت به دعوت از مناقسه گرانی که پیشنهاد فن آنها مورد تأیید شدنی اقدام خواهد نمود.

در تداوم دریافت و موجود اسناد مناقصه، پیمشی اسناد آثار آخرین مهلت ذکر شده در آئهی از طریق سامانه ستاد دریافت و یا بارگذاری نمایند.

ایست اسناد مناقصه را در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت بارگذاری نمایند.

بایر ای <http://iets.mporg.ir>, www.shana.ir, www.nigc-skgc.ir و www.setadiran.ir قابل رؤیت می باشد.

روابط عمومی شرکت گاز استان خراسان جنوبی

روابط عمومی شرکت گاز استان خراسان جنوبی